

## عنوان مقاله:

تحلیل چشم انداز نیکا در دشت نگار بردسیر

## محل انتشار:

مجله مهندسی اکوسیستم بیابان، دوره 5، شماره 10 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسندگان:

محسن پورخسروانی - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید باهنر، کرمان.

سید حجت موسوی - استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه کاشان، ایران

## خلاصه مقاله:

گیاهان در مناطق خشک و نیمه خشک با کاهش سرعت باد و تثبیت ماسه های روان، موجب شکل گیری ژئوسیستم نیکا می شوند که نقش مهمی را در بیابان زدایی و حفاظت از محیط زیست ایفا می کند. در نتیجه شناسایی گونه های گیاهی سازگار با شرایط محیطی در قالب تحلیل چشم انداز نیکا جهت تثبیت ماسه های روان از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از مدل های TOPSIS و AHP به ارزیابی مقایسه ای کارایی نیکاهای دشت نگار بردسیر در برابر رسوبات بادی بپردازد تا بتوان به شناختی مطلوب جهت انتخاب مناسب ترین گونه گیاهی برای تثبیت ماسه های روان دست یافت. در این راستا ابتدا مهم ترین مولفه های مورفومتری ۲۴۱ نیکا از گونه های گیاهی گز، اسکنبیل و خارشتر که شامل ارتفاع، قطر قاعده، شیب و حجم نیکا، و قطر تاج پوشش و ارتفاع گیاه می باشد، به روش طولی نمونه برداری میدانی شد. سپس با استفاده از مدل های TOPSIS و AHP مبادرت به ارزیابی مقایسه ای مولفه های ژئومورفومتری نیکا و اولویت بندی آن ها گردید. نتایج نشان داد که نیکای درختچه گز و اسکنبیل به ترتیب با وزن های ۰/۶۷۶ و ۰/۲۶۹ در مدل AHP و امتیازهای ۱ و ۰/۵ در نزدیکی نسبت به راه حل ایدئال مثبت در مدل TOPSIS دارای بالاترین ارجحیت در تثبیت ماسه های روان هستند. در مقابل نیکای گونه خارشتر با وزن ۰/۰۵۳ در مدل AHP و نزدیکی نسبی صفر به راه حل ایدئال مثبت در مدل TOPSIS کمترین ارجحیت را دارد. به عبارت دیگر هر دو مدل، گونه های درختچه گز و اسکنبیل را به عنوان مناسب ترین و خارشتر را به عنوان گونه نامناسب معرفی می کند. لذا در مرحله نخست توسعه ژئوسیستم نیکای گونه گز و سپس توسعه ژئوسیستم نیکای گونه اسکنبیل بهترین کارایی را در تثبیت ماسه های روان دارند.

## کلمات کلیدی:

نیکا، ماسه های روان، ارزیابی کارایی، AHP, TOPSIS, دشت نگار

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1934926>

